

شهر ما، شهر ایده آل

لطفاً خط به خط بخوانیم!!!

فصل اول - زندگی شهروندی


بخش اول : اصول فرهنگ شهروندی

ویرایش اول : اسفند ۸۹

کاری از انتشارات آئین فرزانی

برای ویرایش های بعدی و تنظیم نسخه چاپی لطفاً

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را به ما انتقال دهید !!!



فصل اول (راهنمائی و رانندگی)
وقتی در هنگام رانندگی هستیم ...

رانندگی ما نمونه و ایده آل خواهد بود
اگر و تنها اگر ...

همه ما شهروندان در هنگام رانندگی

به حقوق دیگر شهروندان در هنگام رانندگی احترام بگذاریم...

از بوق زدن های بی جا

در نزدیک بیمارستان - در کوچه و خیابان - در مناطق مسکونی -
کتابخانه و هر جای دیگر پرهیز نمایم.

همچنین، از بوق زدن برای سلام، تشکر، اعتراض و....

یادمان باشد : صدای بوق زدن ما را همه خواهند شنید و

این کار همه شهروندان را ناراحت خواهد کرد !!!

از توقف های بی جا

در مناطق پارک ممنوع - جلوی خانه دیگران - جلوی پل ها - در حاشیه
خیابان ها جلوی تقاطع خیابان ها - جلوی تابلوهای اطلاع رسانی - در
مکان هایی که احتمال ایجاد ترافیک خواهد بود - قبل از پیچ ها و ورودی
ها و هر جای دیگری که عبور و مرور دیگران را دچار مشکل می کند،
پرهیز نماییم!

یادمان باشد: این توقف های بی جا هر روز همه ما را ناراحت می کند!!!

سرعتی متعادل و متناسب با هر مکان داشته باشیم.

نه سرعتی بیشتر از سرعت استاندارد و نه سرعتی پایین تر از

سرعت استاندارد !!!

این آرام آرام رفتن ها علاوه بر ایجاد ترافیک

دیگر رانندگان را آزار می دهد و عامل انحراف های ماشین های عقبی از

خط مستقیم می شود، که این هم بوق زدن های خودرو های مسیر های

کناری را در بر خواهد داشت و به دنبال آن آلودگی صوتی !

پس سرعتی معادل سرعت استاندارد در همان مکان داشته باشیم !!!

از صحبت کردن با تلفن همراه و یا سوال پرسیدن و صحبت کردن با راننده
ی خودروی کناری در حین رانندگی پرهیز نماییم !!!

زیرا برای این کار نیاز است آرام تر رانندگی کنیم و این یعنی ایجاد ترافیک
برای خودروهای پشت سر .

فراموش نکنید:

دیگران مجبور نیستند به خاطر صحبت کردن ما معطل شوند !!!

پس بهتر است برای این کار لحظاتی در مکان مناسبی پارک نماییم.

از تغییر جهت دادن های سریع و ناگهانی، به هدف
پارک کردن - دور زدن - از حالت توقف خارج شدن و ... پرهیز نماییم.
بد نیست بدانیم :

هدف از ساخت - راهنما یا همان چراغ چشمک زن - دقیقاً برای چنین
زمان هایی بوده است! که حداقل ۱۰۰ متر قبل از هر انحرافی در مسیر
حرکت به منظور ایستادن، دور زدن و ... چراغ راهنما را بزنیم تا دیگران
متوجه شوند و از برخورد و تصادف احتمالی جلوگیری شود!

از جابه جا شدن های مکرر، از این خط به آن خط رفتن

به هدف زودتر رسیدن پرهیز نماییم.

تا حالا فکر کرده ایم،

اگر همه می خواستند برای زودتر رسیدن همین کار را انجام دهند، اصلاً

کسی به مقصد نمی رسید؟!

پس هیچ گاه در حین رانندگی فکر نکنیم فقط این ما هستیم که عجله

داریم!

از توقف در وسط خیابان حتی برای چند لحظه هم پرهیز نماییم !!!

چه به منظور پیاده کردن و سوار کردن و یا پرسیدن سوالی و چه به هر منظور دیگری...

دلیلش ساده است،

این کار مانع حرکت دیگران می شود حتی برای چند لحظه !!!

و این طبیعی است که دیگران نیز حتی برای چند لحظه خود ارزش قائل هستند !!!

پس به جزء شرایط بسیار خاص حتی برای چند لحظه هم دیگر وسط خیابان...

از توقف در مسیر حرکت و در ایستگاه های اتوبوس و تاکسی پرهیز نماییم!

حتی برای چند لحظه !!!

این کار دقیقاً، به معنای پایمال نمودن حق ۴ گروه است:

گروه اول) افرادی که در ایستگاه منتظر سوار شدن به اتوبوس هستند.

گروه دوم) افرادی که در اتوبوس هستند و می خواهند پیاده شوند.

گروه سوم) افرادی که در اتوبوس هستند و می خواهند به مقصد برسند.

گروه چهارم) راننده خودرهایی که پشت سر اتوبوس معطل مانده اند.

به تابلوها و علائم راهنمایی و رانندگی احترام بگذاریم !!!

باور کنیم :

هر یک از این تابلوها معنایی دارند و تنها و تنها برای راهنمایی ما در رانندگی و رفت و آمد در شهر نصب شده اند !!! نه برای زیبایی شهر

یادمان باشد:

یکی از تفاوت های ظاهری مناطق شهری و غیر شهری همین تابلوهاست، پس به گونه

ای عمل نماییم که کسی فکر نکند در منطقه ای غیر شهری آمده است.

هیچگاه از چراغ قرمز عبور نکنیم !!!

حتی اگر سوار بر موتور و یا دوچرخه ای هستیم !

کاملاً مشخص است این کار به معنای پایمال نمودن حق همه کسانی است
که چراغ برایشان سبز است !

تا حالا بارها با این مسئله روبرو شده اید که چراغ سبز است ولی خودروهای جلوتر
حرکت نمی کنند !!! مطمئن باشید یکی از دلایلیش این است که حداقل یک نفر چراغ
قرمز را رد کرده است.

مواظب باشیم هیچگاه ما، آن یک نفر نباشیم !!!!

در پشت چراغ قرمز از توقف روی خط عابر پیاده پرهیز نماییم!

این کار یعنی تجاوز به حریم عابر پیاده و مانند آن است که ،

وقتی چراغ برای منِ راننده سبز است، عابر پیاده جلوی خودرو وسط

خیابان بایستد !!!

توجه فرمایید که:

رعایت این نکته علاوه بر احترام به شهروندان پیاده ، ظاهری زیبا به چهار

راه های ما خواهد داد.

از ایستادن بر سر پیچ ها پشت چهار راه ها پرهیز کنیم!!!

کاملاً واضح است با این کار مسیر خودروهایی که قصد پیچیدن به سمت را راست دارند، مسدود خواهیم کرد.

یادمان نرود:

این رانندگان مجبور نیستند ، مانند خودروهای پشت چراغ قرمز معطل سبز شدن چراغ باشند!!! زیرا که باید مسیرشان باز باشد.

لطفاً برای زودتر رسیدن، فقط خودمان را نبینیم !

نسبت به شهروندان پیاده بی تفاوت نباشیم !!!

همه ما تجربه پیاده بودن را داشته ایم،


همچنین انتظار برای شخصی که سوارمان کند و تا قسمتی از مسیر

ما را برساند .

پس وقتی سوار بر ماشین هستیم و چنین افرادی را می بینیم، خودمان را

جای آنها در نظر بگیریم

و نسبت به سوارکردنشان بی تفاوت نباشیم !



فصل دوم (راهنمائی و رانندگی)
وقتی عابر پیاده هستیم ...

از ایستادن در مکان نامناسب ، مانند وسط خیابان به منظور سوار شدن به تاکسی ، پرهیز نماییم. همچنین در زمان پیاده شدن از تاکسی، حتی اگر راننده از شما بخواهد !

این کار ما مانعی خواهد بود برای عبور خودروهای دیگر !

پس دقت کنیم:

در جایی منتظر بایستیم که راننده ای را مجبور به تخلف نکنیم و در پایمال نمودن حق دیگران شریک نباشیم.

در چهار راه ها به چراغ قرمز احترام بگذاریم.

همانگونه که زمان ایستادن و رفتن خودروها با چراغ های سبز و قرمز مشخص است، برای عابرین پیاده نیز این زمان مشخص شده است.

پس هیچگاه تصور نکنیم،

اگر خودرویی نبود می توانیم از عرض چهار راه عبور کنیم!

و بدتر از آن فکر نکنیم اگر در این حالت عبور کردیم و خودرویی رسید،

باید برای عبور ما بایستد!

از سوار شدن به تاکسی و اتوبوس پرهیز نماییم،

مگر اینکه مطمئن شویم کسی پیش از ما منتظر نبوده است !!!

این کار بی احترامی به حقوق دیگر شهروندان منتظر، خواهد بود.

قطعاً مواقعی بوده است که این زرنگی دیگران ما را ناراحت کرده است ،

اینکه مدتی منتظر آمدن تاکسی بوده ایم، به محض رسیدن تاکسی، کسی

که کمتر از ما منتظر بوده ، زودتر سوار شده است

و ما جامانده ایم !

در عبور از عرض خیابان آهسته و قدم زنان عبور نکنیم!
مخصوصاً زمانی که خودرو یا خودروهایی به احترام ما ایستاده‌اند،
زیرا این قدم زنان رفتن،

علاوه بر عصبی کردن خودروهای ایستاده،

آن‌ها را از تکرار این وظیفه قابل تحسین اخلاقی پشیمان خواهد کرد!

پس،

هیچگاه با اعمالمان دیگران را از انجام کارهای نیک پشیمان نکنیم.

در سوار شدن به تاکسی و اتوبوس به بزرگترها احترام بگذاریم،

حتی اگر محدودیت جا باشد و آنها کمتر از ما منتظر بوده اند!

زیرا علاوه بر اینکه

این یک وظیفه اخلاقی است،

روزی ما نیز بزرگ خواهیم شد و بزرگتر به حساب خواهیم آمد و برای ما

نیز این احترام متقابل دلنشین خواهد بود !!!

از بلند صحبت کردن در مکان های عمومی پرهیز نماییم،
مخصوصاً در وسایل نقلیه عمومی چون تاکسی و اتوبوس و ...
چه با تلفن همراه، چه با دوستی و چه با هر شخص دیگری

زیرا که دیگران مجبور نیستند به مکالمات ما گوش دهند
و شاید بخواهند از این فرصت برای فکر کردن یا مطالعه استفاده نمایند!

جایمان را در اتوبوس های شلوغ فقط به بزرگترها ندهیم،

بلکه این کار پسندیده را

نسبت به شخصی که باری همراه دارد

و یا کودکی که کیف مدرسه سنگینی بر دوش دارد

و یا سرباز وظیفه ای که به مرخصی آمده است

نیز انجام دهیم.

در حفظ و نگهداری وسایل نقلیه عمومی شهرمان کوشا باشیم!
زیرا که این وسایل متعلق به یک سازمان خاص نیست،
بلکه متعلق به تک تک شهروندان است.

مطمئناً

دیدن صندلی های پاره

و یا خواندن یادگاری های نوشته شده بر روی صندلی و بدنه ی

اتوبوس شهرمان برای هیچ شهروندی دلنشین نخواهد بود !!!

از ریختن هر زباله ای در مکان نامناسب پرهیز نمایم،

چه در وسایل نقلیه عمومی

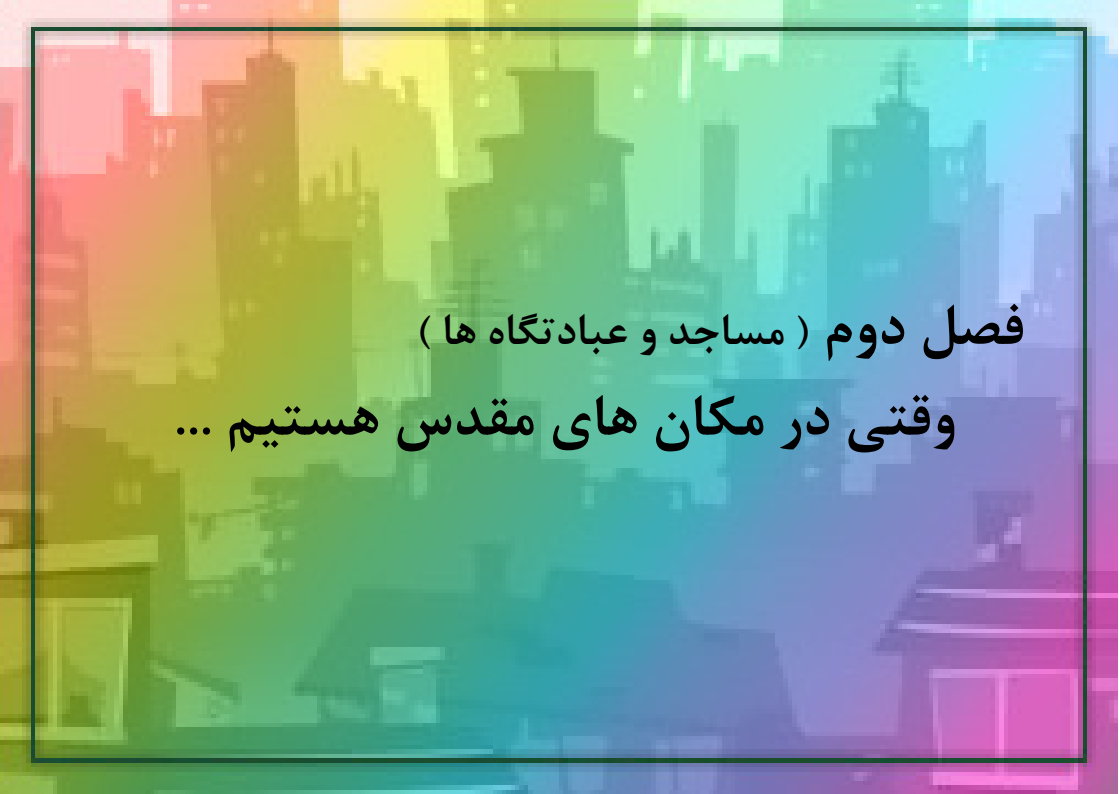
چه در سطح شهر

و یا هر مکان عمومی دیگر

حتی در حد یک پوسته تخمه آفتابگردان !!!

زیرا که این وجه مشترک همه شهروندان است که دوست داشته باشند

شهرشان در پاکیزگی و تمیزی نمونه و آگُو باشد .



فصل دوم (مساجد و عبادتگاه ها)
وقتی در مکان های مقدس هستیم ...

در مساجد و زیارتگاه ها با وضو و پاکیزه و معطر وارد شویم.

حتی در موارد خاص مانند:

مسافرت، نمازخانه ها و مساجد بین راه

خانه خدا چه مسجد الحرام در شهر مکه و چه در روستایی کوچک و چه در
بین راه دو شهر و چه هر جای دیگر **خانه خداست**،

همچنین از ورود و گذاشتن کفش هایمان بر روی فرش و کف مساجد پرهیز
نماییم .

در هنگام نماز جماعت هماهنگ باشیم.

نه جلو بزنیم و نه عقب بیفتیم.

ابتدا صفوف جلو را پر نماییم.

این نظم و ترتیب ما مسلمانان و وحدت و هماهنگی ما را می رساند.

آنقدر با صدای بلند نماز، دعا و زیارت نخوانیم

به طوریکه که مزاحم دیگران شویم!

خدا دعای ما را اگر در دل هم خوانده شود، می شنود!!!

قرآن، کتاب های دعا و زیارت را

پس از استفاده در جای خود قرار دهیم.

رها نمودن این کتاب ها به ویژه کتاب خدا، قرآن بر روی زمین،

حتی در هنگام نماز خواندن، بی احترامی به این کتاب مقدس است!

همچنین از نوشتن هر نوع یادداشت

بر روی جلد و یا صفحات این کتاب ها، اگر چه به نیت نشر سخن خدا و یا

حدیثی از معصومی نیز باشد، پرهیز نماییم.

تلفن همراه خود را

در هنگام ورود به مکان های مقدس خاموش نماییم.

روشن بودن تلفن همراه و یا صحبت نمودن با آن در چنین محیط هایی به

معنای بی احترامی به شان این مکان های مقدس است !

فراموش نکنیم

مسجد یعنی محل سجده

و عبادتگاه یعنی محل عبادت

و زیارتگاه یعنی محل زیارت

پس صحبت کردن با دیگران، خندیدن، دراز کشیدن و خوابیدن

و یا انجام هر کار نا مرتبط دیگر در چنین مکان هایی معنایی ندارد!

در هنگام انجام عبادت،

چه نماز خواندن چه دعا خواندن و چه زیارت خواندن

به حقوق دیگران احترام بگذاریم، حقوق دیگران را پایمال ننماییم و

مرتکب حق الناس نشویم. این ها همه گناه به حساب می آید!

مثل رعایت این نکته ساده که :

مواظب باشیم در عبادت ها چه با پارک نمودن نامناسب خودرویمان و یا

مسائلی از این دست مزاحم عبور و مرور دیگران نشویم!

خدا متوجه نماز، دعا و زیارت ما را چه از دورترین مکان ها و چه از
نزدیکترین مکان ها می بیند و می شنود.

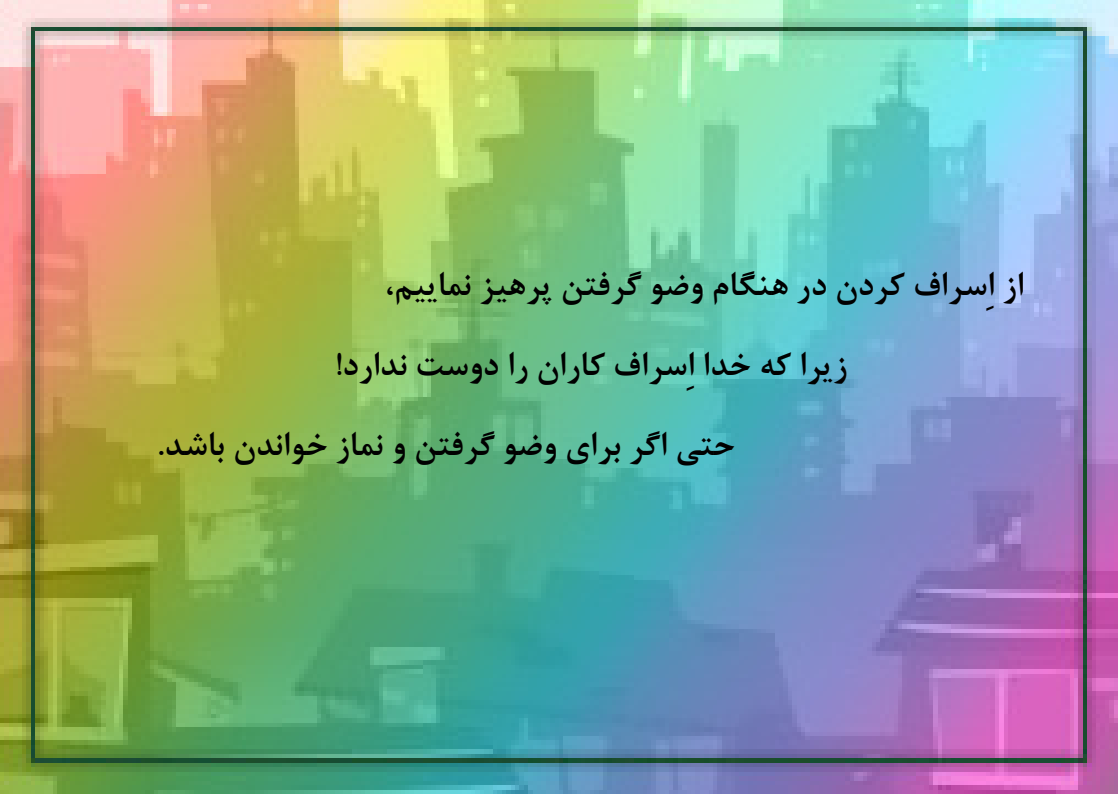
پس نیاز نیست به هر قیمتی خود را به ضریح بچسبانیم!

آیا این قابل قبول است


که خداوند برای زائری که به ضریح چسبیده است،

اهمیت بیشتری قائل است تا آن روستایی که از ته دل و در خانه خود و یا
در مزرعه برای خدا کار می کند

و رو به قبله نماز، دعا و زیارت می کند؟



از اسراف کردن در هنگام وضو گرفتن پرهیز نمایم،
زیرا که خدا اسراف کاران را دوست ندارد!
حتی اگر برای وضو گرفتن و نماز خواندن باشد.



و در یک کلام:

پاکیزگی، شان و احترام مکان های مقدس را نگاه داریم!



فصل سوم

در برخوردها و روابط اجتماعی ...

حرف خوب بزنیم و خوب حرف بزنیم!

در صحبت ها و گفتگوها از نه تنها از کلمات و عبارات زیبا استفاده نماییم، بلکه همان ها را نیز محترمانه بیان نماییم:

مانند همان ۳ لغت معروف: بفرمایید، بنشینید و ...

که هر سه یک معنی می دهند، اما مسلماً اولی بهتر است!

یا در بیان لغات مانند: رفتگران به جای ... یا ماشین نظافت به جای ...

یکدیگر را محترمانه خطاب قرار دهیم!

استفاده از پیشوندهایی چون: جناب آقای، سرکارخانم و...

و حتی برای فرزندانمان:

به کارگیری " آقا " و " خانم " قبل و بعد از نام هایشان.

این حرکت به فرزندانمان شخصیت و اعتماد به نفس خواهد داد.

این احترام به فرزندان شاید حرکتی کوچک باشد،

اما تاثیری فوق العاده به همراه دارد. امتحان کنید!

در هر جایی به حقوق یکدیگر احترام بگذاریم!

همه رنجیده ایم و خواهیم رنجید،

از پایمال شدن حقوقمان در:

در صف های نان، شیر، خرید از فروشگاه ها

در سوار شدن به اتوبوس، تاکسی، وسایل نقلیه عمومی

در خارج شدن و وارد شدن به سینما، مدرسه، ورزشگاه ها

بیاییم دیگر یکدیگر را نرنجانیم!!!

به یکدیگر کمک کنیم !!!

به کودک یا پیرزنی برای عبور از عرض خیابان

به مادری برای حمل سبد خرید او


به معلولی برای عبور از یک مانع

به راننده ای برای هل دادن خودروی خرابش

به نابینایی برای عبور از مسیری

به ...

این کار بیش از هر کس خدا را خشنود خواهد کرد. مطمئن باشید !!!



فصل چهارم (آپارتمان و خانه و ...)
وقتی در محل زندگی هستیم ...

از پارک کردن خودرو هایمان در مکان هایی که برای دیگر شهروندان محل
سکونتمان ایجاد مشکل خواهد کرد پرهیز نماییم !!!

مانند :

جلوی درب خانه همسایه ها - روبروی پل ها - در پیچ کوچه ها - محل
پارک دیگران در آپارتمان ها - در ورودی کوچه ها و ...

این کار یعنی من اهمیت دارم و دیگران نه !!!

از ایجاد هرگونه سر و صدا بیش از محدوده ی قانونی خود پرهیز نماییم!
خانه محل آرامش افراد است.

صداهایی مانند:

تلوزیون همسایه - داد و فریادها - بازی کردن در حیاط - رفت و آمد های
مزاحم گونه و ...

آرامش هر شهروند که حق قانونی اوست بر هم خواهد زد!

پس به آرامش دیگران در محل زندگی احترام بگذاریم .

به تمیزی و پاکیزگی محل زندگی بها دهیم!

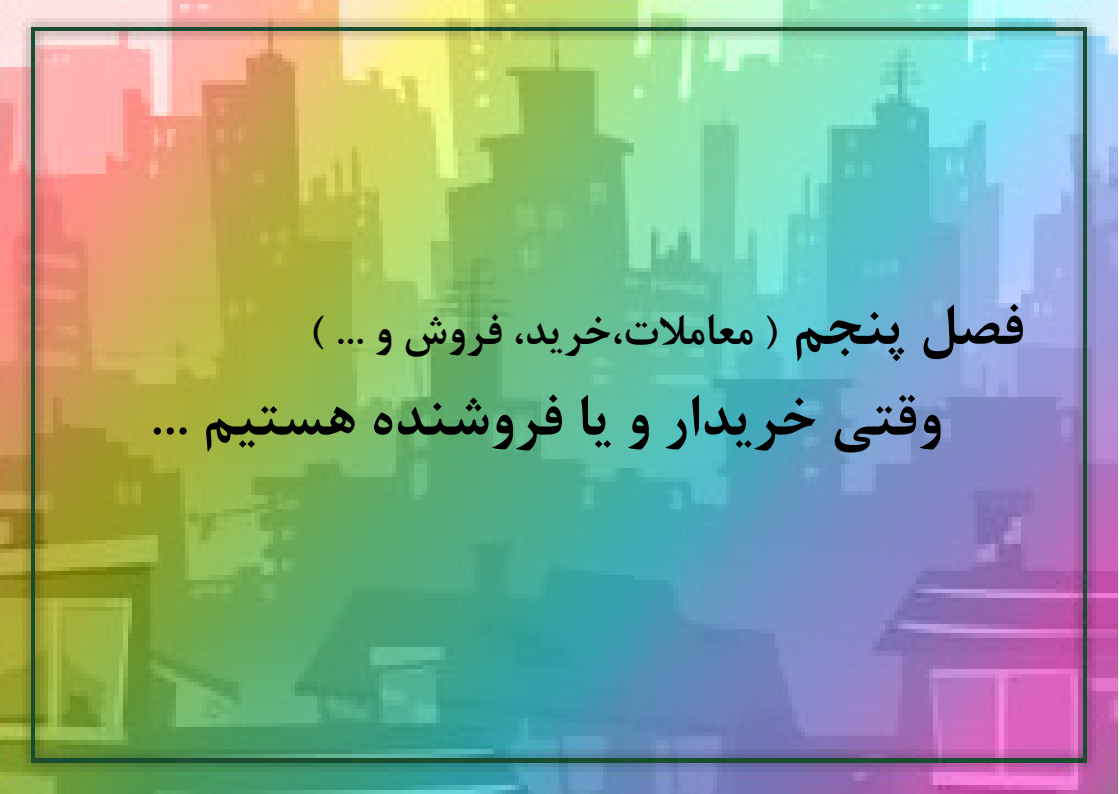
کوچه و حتی بخش جلوی خانه ما متعلق به همه ساکنان کوچه و محل است
!!!

می توان با کاشتن درخت و یا پرورش گل هایی زیبا جلوی خانه یمان

به همه شهروندان محله نشاط بخشید

و می توان با سر وقت نگذاشتن زباله در بیرون باعث شد!

پس تلاش کنیم دیگران را خشنود نماییم تا



فصل پنجم (معاملات، خرید، فروش و ...)
وقتی خریدار و یا فروشنده هستیم ...

در هر نوع معامله ای، چه خرید و چه فروش

صادق و راستگو باشیم!

در معاملاتی چون خرید و فروش خانه، اتومبیل و ...

همانطور که همه ی ما دوست داریم در خرید چیزی از همه ی محاسن و
عیب ها مطلع شویم، در هنگام فروش هر چیز نیز دیگران را از محاسن و
معایب آگاه نماییم.

به عهد های خود نیز وفادار باشیم!!!

رعایت این نکته، پیش نیاز انجام هر معامله ایست!

از هر نوع چانه زنی پرهیز نماییم!!!

وقتی قیمتی جنسی مشخص شده است، دیگر حرکتی به نام چانه زدن چه معنایی دارد!؟

گرفتن تخفیف بیشتر مساوی نیست با زرنگی بیشتر

چانه زدن یعنی برای من نسبت به دیگر شهروندان تبعیض قائل شو!

این زرنگی نیست، دعوت فروشنده به بی عدالتی است!

و این یعنی ترویج بی عدالتی!!!

به حقوق دیگران احترام بگذاریم!

حق هر شهروندی است که نوبتش در هر جایی رعایت شود!

پس با جلو زدن یا به خاطر آشنایی با فروشنده،

حق دیگر شهروندان را پایمال نکنیم،

همانگونه که دوست نداریم

حق مان پایمال شود!

رعایت این نکات وظیفه ماست، نه انتظاری بی جا از طرف دیگران!!!

پرهیز از سد معبر کردن !!!

تصور کنیم همه ی مغازه داران بخواهند بخشی از پیاده رو به قرار دادن نمونه اجناس خود اختصاص دهند !!!

آیا دیگر جایی برای عبور و مرور شهروندان باقی خواهد ماند؟

معنای پیادرو از خود لغت کاملاً مشخص است!

یعنی محل عبور و مرور افراد پیاده !

پس با رفتارهایی خودخواهانه به حدود دیگران تجاوز نکنیم !!!

از هرگونه سر و صدا برای جذب مشتری پرهیز نماییم !!!
اگر همه فروشندگان بخواهند از همین روش، جذب مشتری نمایند،
چه محیطی ایجاد می شد؟

کاملاً واضح است که محیط خیابان مختص یک نفر نیست و همه مردم نیز
در آن خیابان قصد خرید ندارند.

پس با سر و صدای خود و برای منافع خود آلودگی صوتی ایجاد نکنیم و
نسبت به حقوق دیگران بی تفاوت نباشیم !!!

قیمت هایی کاملاً مشخص داشته باشیم !!!

این تصور غلطی است که مشتری برای این جنس تا این مقدار پول خواهد داد، پس قیمتش را فلان مقدار می گذارم.

این ظلم است !!!

قیمت هر جنسی مطابق با هزینه هایش و مطابق با استانداردهایی باید

مشخص گردد و نه مطابق میزان تقاضا و یا مطابق دلخواه !!!

این حرکات ترویج بی عدالتی است !!!

از هر گونه کم فروشی پرهیز نماییم !!!

مثلاً: چیدن میوه درشت بر روی جعبه میوه ها و معیوب ها زیر


و یا رعایت نکردن اصول صحیح پخت نان

و ...

از تبعیض در عرضه اجناس پرهیز نماییم :

اجناس خوب برای دوستان و آشنایان ،

اجناس بد و معیوب برای غریبه ها



فصل ششم (ادارات، سازمان ها و ...)
وقتی کاری اداری داریم...

به افراد مسن برای انجام امور ادرایشان کمک نماییم!
مطمئن باشیم کار خودمان نیز زودتر و بهتر انجام خواهد شد.

همچنین :

افرادی را که آگاه به روند انجام امور ادرا نیستند، راهنمایی نماییم!

همه این کارها، به نوعی صدقه است و به جزء شهروندان،

خدا را نیز خشنود خواهد کرد!

از بلند صحبت کردن با یکدیگر و یا با تلفن همراه

در هر محیط اداری پرهیز نماییم !!!

هر شهروند رفتاری های مخصوص به خودش را دارد .

با بلند صحبت کردن خود، محیط های اداری را پر سر و صدا و باعث

مزاحمت برای دیگران نشویم!

محیط های آرام برای هر شهروندی خوشایند خواهد بود تا محیطی پر از

هرج و مرج و ...

از انجام هر گونه روش های غیرقانونی

برای انجام سریع تر و بهتر امور اداریمان پرهیز نماییم!

این فقط به نفع ما نخواهد بود،

بلکه به معنی پایمال نمودن حق دیگر شهروندان خواهد بود:

مثل پایمال نمودن حق پیرمرد و یا پیرزنی است که برای انجام کاری مشابه

ما، روزها و هفته هاست پله های یک اداره را طی می کند،

به انضباط و ظاهرمان

در مواقع حضور در محیط های عمومی چون ادارات، سازمان ها، بانک ها و ... اهمیت دهیم!

مسلماً دیدن یک شهروند منضبط، معطر و شیک پوش برای همه دلنشین تر است تا دیدن فردی ...

فراموش نکنیم شهر ما ایده آل نخواهد
شد، مگر اینکه خودمان بخواهیم !!!

پایان